

بمناسبت

رستاخیز سیاهکل و

قیام شکوهمند خلق

www.iran-archive.com

آنگاه میگفت:

حرکت مردم در این طوفان خروشیدار
برودشده است

پیام پر یک فن خلق کویران

بمناسبت ۲۹ روز زکریا

۱۹ بهمن ۱۳۹۰ سرآغاز نوباره مستحان ۲۱ بهمن ۵۷

قیام شکوه خلق

پیام چریکهای فدائی خلق بمناسبت

غرض سهاك سراسر ایران را در شوردید . این صدای سهاكل صدای جنبش نوین کمونیستی بود که طنپسند انداخت و کارگران و توده های خلق را به نابودی نظام امپریالیستی حاکم بر همین فراخواند . گزینگان و قره نوگران امپریالیسم تمامی نیروی خوش را بسکار گرفتند تا این مشعل فروزنده را خاموش سازند . اما دیگر بسیار دیسار شده بود . جزیره باصطلاح "تیمات و آراض شاه" میرفت تا تنها نامی از خود دریاد امپریالیسم و دست نشاندگانش باقی بگذارد و چنین نیز شد .

سهاكل گرچه در خون نشست و یاران رزنده مایه جوخه های اعسدام رژیم مزدور شاه سمرده شدند اما آتشی که از زیر خاکستر بظاھر سرد میسارزه توده ای سر برکشید بود . آتشی

خاموش ناشدنی بود . رسانه های کسروھی مزدور روزه سردادند کسه تمام شد . اما این شروع کار بسود و چریکهای فدائی خلق بمنزله پشتانان جنبش نوین کمونیستی نشان دادند که حقیقتا این شروع کار است . چریکهای فدای خلق نه تنها نابود نشدند بلکه روز بروز بیشتر رشد کرده و خود را به عنوان يك وزنه مهم در جامعه تثبیت نمودند . تمامی کوششها برای ناپسود کردن سازمان رزنده پرولتاریایی شسر ماند . تودمهای کارگر و خلق اینسك در سیعای سازمان چریکها ، راهبران و پیهگامان واقعی خود را میدیدند و به آن چشم امید دوخته بودند . کمونیسم که در ایران توسط نظریات و عملکرد های بغایت انحرافی حزب خائن تسوده و تبلیغات مزورانه امپریالیسم و نوکرانش ،

رشد بحران عمومی امپریالیسم در اواسط سالهای ۵۰ در ایران ، باعث رشد نارضایتی و گسترش اعتراضات توده‌های پر طبقه رژیم وابسته شاه گردید . توده‌ها با الهام از پشاهانگانشان شجاعانه پسه خیابانها ریخته و خواستار سرنگونی رژیم شاه میشدند . مبارزات توده‌های ارکان نظام امپریالیستی در ایران را به لاسرزه درآورده بود ، جنبش هر روز و هر ساعت رادیکالتر شده و بزعم آن افزوده میشد و این برای امپریالیستها به هیچ وجه مطلوب نبود . بنابراین می بایست چاره‌ای اندیشید . می بایست سیسل مبارزات توده‌های به کاتالهای مطمئن و کم خطر هدایت شود . « عهدا خفینی و دارودستکش با دستان و سوابقی پسه ظاهر پاک با همیاری امپریالیستها بسر راس جنبش قرار گرفتند و از هر امکانی برای تحقیر شدت وحدت مبارزات تسودهای استفاده نمودند . با اینحال مبارزات مردم آنچنان اوج یافته بود که دیگر با وجود شاه نمی شد کاری را از پیش برد و می باید مهره‌های جدیدی جای مهره‌های قدیم را بگیرند . نظریسه بردازان سیاستهای امپریالیسم اکسون در رفتن شاه از ایران و آمدن خمینیس بجای وی متفق القول بودند تنها مسئله آن بود که انتقال قدرت از دارودسته

چهره‌ای مخدوش یافته بود ، میسررفت تأدیر عنصر تاریخی چریک فسدائسی واقعیتهای سرسخت خود را بازتاب مید و یافت . بدینسان بود که نام کمونیسم با نام چریک فدائی در ایران عجین گشت .

سیاهکل اما در این میسان چه نقشی را ایفا نمود .

سیاهکل يك پدیده تصمصا دفنی نبود . سیاهکل را نمی توان با صرف گفتن " حماسه " ستود و به این پسنده کرد . سیاهکل يك ضرورت گریزناپذیر تاریخی و پرانده از شرایط شخصی است سیاهکل دعوتی نهی از توده‌های برای مبارزات نهی است . سیاهکل خنط بهلانی است بر اشکال سازماندهی و شیوه‌های مبارزه رفریستی . سیاهکل يك پاسخ درخور شایسته به " جاودانگی " حکومت سرمایه است . سیاهکل صدای شکستن استخوانهای پوسیده اپورتونیم منخط و خیانتکار حزب توده است .

آری ! چریکهای فدائی خلق بسا حماسه سیاهکل آغاز دورهای نوین در مبارزات کارگران و زحمتکشان مهینان را اعلام نمودند و بدینگونه بود که سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در آن سالها تاخیر می گفتگو و مهت خود را بر مبارزات کارگری و توده‌ای نهاد و بیبهسرا ه

شاه به دارودسته خصمی می بسایمست. به آرامی و بدون خونریزی صورت پذیرد، توده‌ها اما در خیابانها فریاد میکشیدند "ایران را سراسر سیاهگل میکنیم" و بدین ترتیب در ۲۱ و ۲۲ بهمن غیرمخ خواست و اراده امپریالیستها و نوکران قدیم و جدیدشان، قیام خودبخودی یوقسوع پیوست و گوشه‌ای از نیروی عظیم و در هم کوبیده کارگران و زحمتکشان را بنمایش گذاشت. حاکمان جدید وحشت زده از این حرکت توده‌ها، پایان انقلاب و بازگشت به خانه‌ها را اعلام نمودند.

درخواست پایان دادن به انقلاب که از سوی سردمداران رژیم جمهوری اسلامی مطرح شده بود بمنزله دست شستن توده‌ها از خواستها و اهداف و بطسور کلی از مبارزه بود. اما جنبش توده‌ای بعد از قیام نه تنها از حرکت باز نایستاد بلکه همچنان به پیش میرفت. اقبسال کارگران و زحمتکشان از سازمانهای سیاسی و بخصوص سازمان چریکهای فدائی خلق، فرصت بسیار گرانبهاس و تاریخی را برای سازماندهی و تشکیک توده‌ها بر اساس تئوری مبارزه صلحانسه بوجود آورده بود. اما پورتونیستها ی ما و بخصوص مرتدینی که بعد از ضربات وارده به چریکهای فدائی خلق ایسران در سال ۵۵ به سازمان راه یافته بودند

از این فرصت چگونه استفاده نمودند؟ مرتدین که از خیلی وقت پیش به رد تئوری مبارزه صلحانسه پرداخته بودند، بهمسد از روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی به بزرگ کردن چهره جنایتکار این رژیم ددمنش و وابسته پرداختند. آنها در فریب دادن توده‌ها - بهمراه سایسمر اپورتونیستها - مستقوما در خدمت جمهوری اسلامی بودند. آنها غیرمخ اینکه خود را وارث و ادامه دهند سازمان چریکهای فدائی خلق ایران جا میزدند، با پلیکهای مبتدل راه و نظرات چریکهای فدائی خلق واقعی را مردود میشماردند. همینها بودند که خلق ترکمن را در صلخ جمهوری اسلامی گردن زدند و سپس عده‌ای از آنها تحت نام "اکثریت" راه خیانت آشکارا در پیش گرفتند. دشمنه نابکار خود را به پشت خلق کرد فسر و آوردند، و بعد از خرداد ۶۰ انقلابیون را شناسایی و بدست جلادان رژیم سپردند. رژیم جمهوری اسلامی نیز مزد واقعی شان را به آنها پسرداخته از این خائنن و همالکهایشان حداکثر استفاده را کرد و بعد همچون تالکای آنها را بدر انداخت.

اکنون در شرایطی خاصه دو روز بزرگ و تاریخی ۱۹ بهمن سال ۴۹ و ۲۲ بهمن ۵۷ را گرامی میداریم که رژیم

می باشد این بیانگر آنست که این قیامی
 پیروزمند نبوده است • قیام بهمین
 نتوانست باعث دگرگونی و درهم شکسته
 شدن مناسبات امپریالیستی حاکم
 گسردد • مناسبات موجود با
 پسرچا ماند و فقط مهره های حاکمیت
 تغییر یافتند • به این ترتیب قیام بهمین
 درس بزرگی را به توده ها آموخت و ثابت
 کرد که برای رسیدن به آزادی و تحقق
 خواسته های برحق اقشار و طبقات مختلف
 خلق نابودی شاه و اکنون خیمه ویا حتی
 نابودی نظام سلطنتی یا جمهوری اسلامی
 کافی نیست • بلکه باید کل مناسبات حاکم
 را درهم شکست و نابود نمود • اصلاً
 واقعیت اینست که نابودی مناسبات
 امپریالیستی باید دستگاه سرکوب حافظ
 این سیستم یعنی ارتش را نابود کرد و
 برای نابودی ارتش ضد خلقی باید ارتش
 خلق تشکیل داد و تنها راه برای تشکیل
 ارتش خلق نیز جنگی توده های و طولانی
 است • رستاخیز سیا هکل آغازگر و مبلغ
 این راه بوده است و شکست قیام بهمین
 نیز درستی همین راه را یکبار دیگر
 اثبات رسانند •

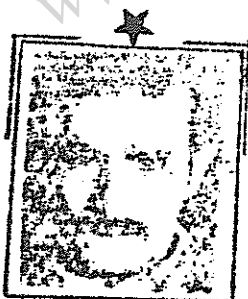
* * * *

جمهوری اسلامی در طول ۷ مسسال
 حاکمیت خودنه تنها کوچکترین حقی را
 برای توده ها قائل نشد طاعت و تمام
 دستاوردهای قیام شکوه مند ۲۲ بهمین
 را از چنگ توده ها خارج کرده ، بلکه
 حتی سعی میکند همان حداقسل
 امتیازات ناچیزی که کارگران و زحمتکشین
 در زمان شاه با مبارزات خوین خود بس
 دست آورده بودند را نیز از آنان بساز
 ستاند • سرکوبهای پی در پی و وحشیانه
 این رژیم در حق کارگران و خلقهای
 تحت ستم از جمله خلق کرد ، ترکمن ،
 عرب و انچنان نرسبان و آشکار
 است که دیگر هیچ فرد دیگری فرصت طلب
 و سازشکاری نمی تواند ان را توجیه کند •
 در این چند سال انقلاب در زیر ضربات
 مداوم ضد انقلاب قرار داشته و مقصد ا
 زیادی تضعیف گشته است اما از پسای
 در نیامده و نه تنها از پای در نیامده
 بلکه با بحران فزاینده اقتصاد وابسته به
 امپریالیسم چشم انداز رشد و گسترش هر
 چه بیشتری نیز در مقابلش قرار گرفته
 است و امروز در جنبش مسلحانه خلق کرد
 در درگیریهای مسلحانه شهنسری در
 اعتراضات جرقه وار توده ای در اینجا
 و آنجا شعله می کشد •
 اگر بعد از قیام بهمین رژیم سرکار آمد
 که همچون رژیم شاه وابسته به امپریالیسم

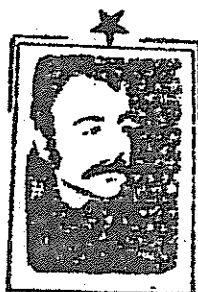
ایران ، وطن من !
 از خلیج خونینست
 تا کوههای سر بظک کشیده مشهورت
 صدای پارسگان زنجیری شنیده میشود
 ایران ، وطن من !
 بنگر که چگونسه گفتار آن زشت ،
 در کشتزاران زه خیزت
 به شخم دلمه های خون مشفولتند
 بنگر چگونسه آبهای زلال چشمه های ت را
 به گنداب های گان پسر
 روانه ساختند

ولی ای ایران ، ای وطن عزیز

سنگد می خورم
 سکوت شب ت را ، بنا آوای گلونه
 میاهای شب ت را ، با صرخه گلونه
 و سردی شب ت را ، با داغی گلونه
 پاسخ گورم



رفقا
 خسرو گل سرخی
 و
 کرامت الله دانشیان



دستاره پرفروغ خلق در روز ۲۹ بهمن ماه سال ۵۲ به شهادت رسیدند.
 یادشان همواره جاوید و روشنی بخش راه خلق ماست.

قیام بهمن و

دسیسه‌های نواستعماری امپریالیسم

که قیام بهمن طرح نمود ما ست را در مقابل انقلابیون قرار میدهد. و در این زمینه بهیژه انقلابیون کمونیست باید با توجه به رسالت پرولتاریا در رهبری انقلاب و بنه سرانجام رساندن آن، در این امر پیگیرتر و دقیقتر باشند. اما متأسفانه ۲ سال پس از قیام بهمن هنوز هم نیروهای مختلف خلقی و از جمله نیروهای کسبه ادعای پذیرش مارکسیسم - لنینیسم را دارند نشان دادند که نتوانسته‌اند در سبهای قیام پر شکوه بهمن مسأله را جمع‌بندی نموده و راهنمای حرکت آینده خود سازند.

با توجه به اینکه در این نوشته امکان پرداختن به مسائل مختلفی که مبارزات توده‌ها و قیام بهمن ماه در سال ۵۷

انقلاب ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران در سالهای طولانی حرکت خود برای کسب پیروزی یعنی در هم شکستن سلطه امپریالیسم و بر قسمراری جمهوری دمکراتیک خلق، فیسراز و نشیبهای فراوانی را از سرگذرانده است و تجربیات و درسهای خوبی برای روند ظفرنمون آینده بجا گذاشته است.

در این پروسه طولانی حماسه‌ها و نقاط عطفهایی بوجود آمده است که یقیناً قیام بهمن در این میان از برجستگی خاصی برخوردار است.

بدون شك امر رشد و گسترش انقلاب و کوشش در جهت پیروزی هر چه سریعتر انقلاب ضد امپریالیستی خلقهای ایران مسئله درس‌گیری از تجربیات فراوانی

ره را ندانی رهنمائی کی توانی ؟
 امپریالیستها ورژیم وابسته به آنهاست در
 ایران یعنی جمهوری اسلامی فعلا لانه
 میکوشند قیام بهمین را پیروز جلوه دهند
 ورژیم موجود را نتیجه منطقی پیسرروزی
 توده‌ها در قیام نشان دهند تا مکارانه
 به توده‌ها القا کنند که آنچه در این
 ۷ سال به سرشان آمده و آنچه در این
 ۷ سال در مقابل چشمانشان گذشته
 است جز نتیجه منطقی مبارزاتشسان و
 شرکتشان در قیام نبوده و نیست و بالطبع
 اگر پیروزی انقلاب و قیام توده‌ها و نتیجه
 آن همه خونهایی که در جریان ایسن
 مبارزات پزیم ریخته شد کمترش فقسرو
 فلاکت ، آوارگی و بی خانمانی ، رنج
 و مرارت و افزایش خفقان و سروزوروشکنجه
 معنی دهد بواقع چه دلیلی برای شرکت
 توده‌ها در امر انقلاب میتواند و چسند
 داشته باشد . دشمنان خلق تمامها
 میکوشند موضوع را اینطور به توده‌ها
 وانمود کنند و اگر برآستی این سیاست
 مکارانه کارساز گردد حاصلی جز گسترش
 بی تفاوتی سیاسی نخواهد داشت و
 شکی نیست که در شرایط بحران انقلابی
 و حضور فعال توده‌ها در مبارزه ایجاد
 بی تفاوتی سیاسی در توده‌ها و گسترش
 روحیه یاس و ناامیدی پیسرروزی بزرگی
 بسرای دشمنان خلق محسوب میشود .

در مقابل جنبش قرار داد موجسود
 نمیباشد بنابراین در اینجا ما بر امسر
 دسیسه‌های امپریالیسم در شکست قیام
 و برقراری جمهوری اسلامی تاکید نمودیم
 لازم میدانیم که توجه جنبش انقلابی
 خلقهای ایران را بار دیگر به نقسش
 تعیین کننده امپریالیسم در روسند
 و قایم در ایران جلب کنیم . امریکسه
 متاسفانه مورد بی توجهی نیروهسای
 مختطف قرار گرفته و گاه حتی آگاهانه
 لاپوشانی میگردد . بدون شسبک آن
 نیروهائی که دستهای خونین امپریالیسم
 را در جایگزینی خصنی به جای شاه و
 جمهوری اسلامی بجای رژیم پهنسوزها
 نی بینند و نمی خواهند بینند هرگز
 قادر نخواهند شد که با دزک دسیسه‌های
 امپریالیستی آگاهی توده‌ها رانصیت به
 این دسیسه‌ها بالا برده و در نتیجه
 توانایی آنها را در مقابله با این نیرنگها
 افزایش دهند تا امپریالیسم را در تحقق
 اهداف خود در کشور ما در این زمینسه
 خلق سلاح نمانند . برآستی کسانی که
 خود از درک نقش امپریالیسم در ایران
 عاجزند چگونه میتوانند دسیسه‌سای
 مکارانه امپریالیسم را در مقابل نهضت
 ضد امپریالیست خلقهای ایران افسا ؟
 نمازند و توده‌ها را در مقابل آن بیسیج
 نمایند . از قدیم گفته اند "ای که خود

میرد از بند هر چه کردند و میکنند چسرا آب به آسیاب امپریالیستها ریختن و چسبز رسوایی هر چه بیشتر برای خود بیستار آوردن کاری نگردند و میکنند . واقعیت اینست که آگاهی توده های ما فراتر از آن حدی بوده و هست که آنها تصور میکنند و در نتیجه روند وقایح اجازه نمیدهند غیره انقلابی توده ها برای مدتی طولانی به کجراه رفته و آنها جمهوری اسلامی و نقش امپریالیستها را در حمایت از آن نشانند .

اما قیام یهمن چسرا شکست خسورد و چرا نباید آنرا بیروز منسدانسه شقی نمود ؟

هر قیام زمانی بیروز مند تلقی میگردد که توانسته باشد به اهداف جنبش تحقق بخشد . یعنی حاکمیت را از دست طیفه حاکم به طبقات غیر حاکم و محسوم منتقل سازد و در کشور ما قیام موقعی می توانست بیروز تلقی شود که توانسته باشد یا نابودی ارتش ضد خلقسی و بوروکراسی منحط شاهنشاهی ، یک دولت انقلابی یعنی دولتی که در جهت نابودی نظام سرمایه داری وابسته حرکت نماید را بر آنکه قدرت بنشانند .

بیروزی قیام می بایست نابودی سلطه امپریالیسم و نظام سرمایه داری وابسته در ایران را اعلام نماید و در این جهت

امپریالیستها و رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی بگوشند و اکنون نیز میکنند تا انقلاب و نظام خلقسای ایران را بیروز کرده و نامود نمایند و اپورتونیستها و سازشکاران نیز باشکال مختلف این خواست ارتجاعی را تکرار کرده و در قریب توده ها با دشمنان خلق همگام شدند . بسدون شکست رسوایی روز افزون جمهوری اسلامی و اوج گیری مبارزات توده ها و افشاگریهای کمونیستهای راستین مشکلات فراوانی در این میان چه برای امپریالیستها و چه برای اپورتونیستها و سازشکاران بوجود آورده می آورد . اما بهر حال آنها هر گاه از بیروزی قیام سخن میکنند و سقوط شاه و استقرار جمهوری اسلامی را یک عقب نشینی استراتژیک بسرائی امپریالیستها جلوه میدادند و میکوشیدند تا با قائل شدن پایگاه طبقاتی ملی برای جمهوری اسلامی چهره نکبتینار امپریالیستها را در ایران تطهیر نمایند و همچنین آن نیروهائی که هم اکنون نقش امپریالیسم را در ایران نادیده میگیرند و جمهوری اسلامی را رژیمسی که در جهت تحقق سیاستهای امپریالیسم در ایران حرکت میکند ، نمی دانند و حمایت امپریالیسم را از جمهوری اسلامی نادیده گرفته و به لاپوشانی آن

علاقم بردارد. اما آنچه کروی داد عمومی منافع خود و برای ادامه سلطه تنگن و شاه با خصمی و رژیم سلطنتی یا رژیم جمہوری اسلامی در شرایط حفظ سلطه امپریالیسم و بورژوازی وابسته بود. در نتیجه رژیم بر سر کار آمد که همچون رژیم شاه متبها در شرایط متفاوت با دوران شاه و در نتیجه با اتفاقاتی ایدئولوژیک متفاوت از رژیم شاه در جهت حفظ سلطه امپریالیسم و تحکیم نظام سرمایستداری وابسته حرکت نمود. رژیم که بنایسه ماهیت وابسته خود مخالف هرگونه آزادی و دموکراسی، مخالف هرگونه اعمال اراده توده‌ها و دشمن سرسخت کمونیستها بود، رژیم که ضمن تشیست شرایط بهره کشی ظالمانه سرمایستداری وابسته، با تقویت هرچه بیشتر ابزارهای سرکوب آماده بودیخراطو تامین منافع امپریالیستها در ایران توده‌ها را بیه خاک و خون بکشد. پس قیامشخت خورد چراکه نتوانست خواستها و اهداف اساسی توده‌ها را متحقق سازد، چرا کسیه نتوانست باعث انتقال قسندرت از بورژوازی وابسته به امپریالیسم بنسبہ خلقهای ایران و در راس آنها به طبقه کارگر کنردد.

رشد و گسترش مبارزات توده‌ها در سالهای ۵۷-۵۶ لریه بر نظام امپریالیستی انداخته بود و امپریالیستها برای حفظ

منافع خود و برای ادامه سلطه تنگن و شاه با خصمی و رژیم سلطنتی یا رژیم جمہوری اسلامی در شرایط حفظ سلطه امپریالیسم و بورژوازی وابسته بود. در نتیجه رژیم بر سر کار آمد که همچون رژیم شاه متبها در شرایط متفاوت با دوران شاه و در نتیجه با اتفاقاتی ایدئولوژیک متفاوت از رژیم شاه در جهت حفظ سلطه امپریالیسم و تحکیم نظام سرمایستداری وابسته حرکت نمود. رژیم که بنایسه ماهیت وابسته خود مخالف هرگونه آزادی و دموکراسی، مخالف هرگونه اعمال اراده توده‌ها و دشمن سرسخت کمونیستها بود، رژیم که ضمن تشیست شرایط بهره کشی ظالمانه سرمایستداری وابسته، با تقویت هرچه بیشتر ابزارهای سرکوب آماده بودیخراطو تامین منافع امپریالیستها در ایران توده‌ها را بیه خاک و خون بکشد. پس قیامشخت خورد چراکه نتوانست خواستها و اهداف اساسی توده‌ها را متحقق سازد، چرا کسیه نتوانست باعث انتقال قسندرت از بورژوازی وابسته به امپریالیسم بنسبہ خلقهای ایران و در راس آنها به طبقه کارگر کنردد.

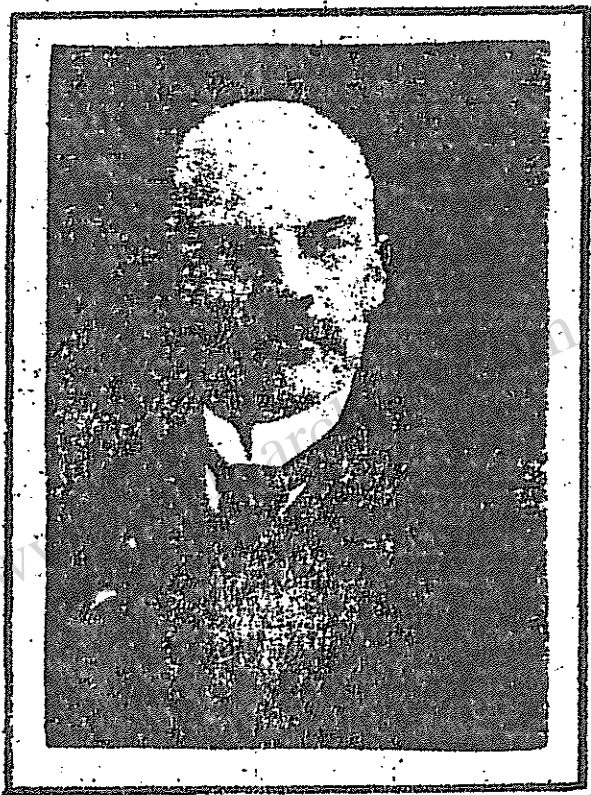
رشد و گسترش مبارزات توده‌ها در سالهای ۵۷-۵۶ لریه بر نظام امپریالیستی انداخته بود و امپریالیستها برای حفظ

منافع خود و برای ادامه سلطه تنگن و شاه با خصمی و رژیم سلطنتی یا رژیم جمہوری اسلامی در شرایط حفظ سلطه امپریالیسم و بورژوازی وابسته بود. در نتیجه رژیم بر سر کار آمد که همچون رژیم شاه متبها در شرایط متفاوت با دوران شاه و در نتیجه با اتفاقاتی ایدئولوژیک متفاوت از رژیم شاه در جهت حفظ سلطه امپریالیسم و تحکیم نظام سرمایستداری وابسته حرکت نمود. رژیم که بنایسه ماهیت وابسته خود مخالف هرگونه آزادی و دموکراسی، مخالف هرگونه اعمال اراده توده‌ها و دشمن سرسخت کمونیستها بود، رژیم که ضمن تشیست شرایط بهره کشی ظالمانه سرمایستداری وابسته، با تقویت هرچه بیشتر ابزارهای سرکوب آماده بودیخراطو تامین منافع امپریالیستها در ایران توده‌ها را بیه خاک و خون بکشد. پس قیامشخت خورد چراکه نتوانست خواستها و اهداف اساسی توده‌ها را متحقق سازد، چرا کسیه نتوانست باعث انتقال قسندرت از بورژوازی وابسته به امپریالیسم بنسبہ خلقهای ایران و در راس آنها به طبقه کارگر کنردد.

امپریالیستها خلی آگاهانه تر از اپورتونیستها و سازشکاران وطنسی رفتار کردند. امپریالیستها میدانستند امری که ۷ سال پس از قیام، اپورتونیستها و سازشکاران از درک واقعی آن هنوز هم عاجزند. که عصدترین عامل بقای سلطه خونین آنها در کشور ما ارتش ضد خلقی و قدرت سرکوب کننده آن است. در نتیجه آنچه در آن شرایط بحرانی می بایست حفظ گردد و بسبب اشکال گوناگون از آماج ضربات توده‌ها در امان قرار گیرد ارتش ضد خلقی بود

نقش زنیال هونر آمريکايي مسمومان
 فرماندهي پيمان ناتو که براي کنتسزل
 اوضاع ايران به تهران سفر نمود و در مرکز
 هيئت مستشاران نظامي آمريکا مستقر
 شده بود ، قرارداد تا هر چه بيشتريه
 نقش اميراليستها در ايران بي بسود .
 آخرين روزهاي رژيم سلطنتي در حقيقت
 مهمترين روزهاي مامويت هونر در ايران
 بود او به ايران آمده بود تا ضمن کنتسزل
 ارتش و تماس با مخالفين ، از نظرسر
 اميراليستها اوضاع را کنترل نماييدند
 آخرين تماسها را با اعضاي شوراي انقلاب
 خيبي برقرار سازد و شرايط انتقالي
 قدرت از شاه به خيبي را صيا کسند .
 بهشتي مخدوم در تماس با دفتر خيبيسي
 در پارس در اواخديماه در مورد تماس
 با سران ارتش ميگويد : " بطور قطع
 مفيد و عدم تماس را ضرر تشخيص ميدهد"
 (آخرين تلاشها در آخرين روزها نوشته
 دکتر ابراهيم يزدي ص ۱۲۸) و ميسندي
 بازگان نيز در اين زمينه ميگويد : " مقدم
 رئيس ساواک شاه مایل بوده است بسا
 آيت الله بهشتي تماس بگيرد و بايستن
 دليل هم او امکان اين تماس را بوجهسود
 آورده است خود سخن بازگان بايستن
 است " مقدم بي ميل نبود که ملاقاتي بسا
 رهبران مذهبي در تهران داشته باشد
 ادامه در صفحه ۲۱

که در صورت حفظ آن بقيه امور در جهت
 نافع اميراليستها بخوبي پيش ميرفت .
 براي آنها مهم نبود که نارخاشها براي مدتي
 بخوابند چرا که اين ضرر را ميشد بهسود
 جبران نمود . اين مهم نبود کسه
 براي سلطه شوم خود از سگ زنجيرسري
 با و طياشان يعني شاه که ۲۷ سسال
 نوکري خود را به اثبات رسانده بود دست
 بکشند . اين ضرر را بايست قبول
 کنند با توجه به اينکه اميراليستها اسما
 در کشورهاي متحد سلطه سرنوشت خود را
 با سرنوشت سگهاي زنجيرشان گسره
 نهي زند ، ولي آنچه اهميت حياتي
 داشت حفظ ارتش بود . ارتشي که بسه
 وسيله اميراليستها سازانده و تجهيز
 شده بود و درست بهمين دليل بود که
 با اوج گيري انقلاب ضد اميراليستي
 خاقيهاي ايران امريکا کنترل ارتش را از
 واشنگتن در دست گرفت و در ايسن
 زمينه بررسي در کتاب " قدرت و اصل"
 به نکه مهمي اشاره کرده و اعتراف ميکند
 که " دليل فقدان رهبري نظامسي در
 تهران ، کنترل ارتش را از واشنگتن در
 دست گرفتيم " اين گفته در حالیکه صسق
 وابستگي ارتش را به اميراليستم نشان
 ميدهد ، در همان حال اهميت حياتي
 حفظ ارتش را براي اميراليستم نيز آشکار
 مي سازد و تازه اين سخن را بايد در کنار



ی‌س‌ا‌د ل‌ن‌ب‌ن ه‌م‌س‌ا‌ر‌ه د‌ر ت‌ک‌ب‌پ‌ر ه‌ل‌پ‌ش ر‌ح‌م‌ت‌ک‌ش‌ا‌ن
ز‌ن‌س‌د‌ه ا‌س‌ت .

راه نوین مبارزه

نقش تاریخی نبود سیاه‌کل

اگر چه مطالب فوق حقایق انکار
ناپذیر بوده و از میان تمامی معتقدین
اولیه زمین) ، تاریخ کلیه جوامعی
که تاکنون وجود داشته ، تاریخ
مبارزه طبقاتی است .^{۱)} (۲) مبارزه ای
که اگر چه درد و رانها و شرایط
گوناگون ، بینه اشکال گوناگونی بسروز
کرده است ، اما هیچگاه متوقف نگشته
مبارزه ای که در تضاد های طبقاتی
آشتی ناپذیر ریشه دارد .
که به لباس مارکسیست در آیند .^{۳)} (۳)

۱- مارکس - انگلس ، مانیفست حزب کمونیست .

۲- مقدرات تاریخی آموزش کارل مارکس .

(۱) - در واقعیت امر مبارزه طبقاتی مورد پذیرش بورژوازی نیز میباشد
در اینجا بحث بر سر نیروهای است که مارکسیسم - لنینیسم را بعنوان
تئوری راهنمای خود پذیرفته اند .

اصلاً خطوط تطایز ما بیسن مارکمیسست لنینیست های واقعی و مدعیان دروغین آن آنگاه رنگ میگیرند که هر کس او پس از هر چه بان اجتماعی دست اندر کار اخذ نتایج عملی و تعیین موضع خویش در قبال مبارزه طبقاتی جاری میشود و بدینسان همین تعیین موضع - کسه در شرایط بحرانی وحدت مبارزه، از سرعت چشمگیری برخوردار است - پاسا پاسخی که به مسائل، که در راس آنها چگونگی حل مسئله قدرت دولتی قرار دارد، میدهد یا فعلیست طبقاتی خویش را - اگر فریب ادعا های پرطمطراق بسیاری از مدعیان طبقه کارگر را نخوریم - در صحنه مبارزه علا آشکار میسازد - اما هنگامی می توان به امر حل مسئله قدرت دولتی پاسخ اصل داد که این اصل مارکمیسستی : " قیام کار توده هاست " به ثقل توجه نیروی پرولتری مبدل گردد - برای روشن شدن مطلب ضروری است که در این باب، به توضیح مختصری بسنده شود : اگر ما عنوان میکنیم که قیام کار توده هاست به مفهوم نیست که میخواهیم اشکال پرشروع انقلاب را در شکل مشخص و ثابتی یعنی شکل قیامی آن محدود نمائیم - امروزه مارکمیسست - لنینیست ها بایستی این اصل را با محتوای " انقلاب کار

توده هاست " درک نمایند - زیرا قوه مسلط بندی نخست در شرایطی عرضه شد کسه عصر مورد نظر تصور مشخصی از تنوع اشکال انقلاب نداشت و این تحسول اجتماعی صرفاً به شکل قیامی آن منحصر بود ، اگر چه برای رهبران کمیونسس پرولتاریا این تنوع - و نه اشکال مشخصی آنها - قابل پیش بینی بود - اما از آن هنگام که انقلاب از غرب به شرق گذار کرده ، جنگ توده های طولانی بمتاب شکل عده این تحول اجتماعی پدیدار گردیده است - نمونه های انقلابات چین ، ویتنام و کوبا (نمونه اخیر ظیروم اینکه از نظر زمانی آنچنان هم طولانی نبود) و هم اکنون بسیاری از جنبشهای انقلابی در آسیا ، آفریقا و آمریکای لاتین گواه روشنی بر این تحول شکل انقلاب میباشند - اما بدون شك اگر بخواهیم مانیز انقلابات صر حاضر را صرفاً به جنگ طولانی محدود نمائیم ، و یا حتی بدون توجه به مجموعه روندها جنگ توده های طولانی از ابتدای آنها تا انتهای تنوع اشکال بروز این شکل انقلاب را ندیده بگیریم ، دچار همان محدودنگری خواهیم شد ، که برخی از مدعیان مارکمیسسم به میمنت آن انقلاب را صرفاً بشکل قیام مسلحانه می قهمنند - تجربیات انقلابات اخیر ، گواه روشنی

نیست . اما ناپایداری این نتیجه را گرفت که تا زمانیکه توده‌ها در مقیاس وسیع بهیچ نحاسه اند ، پشاهنگ انقلابی وظیفه‌ای در قبال پیشبرد و تعمیق مبارزه طبقاتی انقلابی و تسهیل نبرد نهایی بهیچند ندارد . زیرا دست کشیدن "پشاهنگ" از مبارزه انقلابی به پهنانه آماده نبودن شرایط بدون آنکه نقش تاریخی عنصر پیشرو را در فراهم آوردن آن شرایط مد نظر داشته باشد . چیزی جز دنباله روی از جریان خود بخودی و کرنش در مقابل وضع موجود نیست . به این مفهوم ما معتقدیم که پشاهنگ انقلابی ، در شرایطی که توده‌ها از کمترین امکان مبارزه متشکل به سیاق پیشین محرومند ، خود می‌توانند مبارزه انقلابی ، بسا به بیان دیگر ، بروسه دراز مدت انقلاب را آغاز نموده و بتدریج توده‌ها را بسا بستر مبارزه انقلابی بکشاند . در چنین شرایطی "قیام‌کار توده‌هاست" بدین معنی است که رشد روز افزون قیام مطلقاً وابسته به حمایت روز افزون توده‌هاست ، و قیام به نتیجه نخواهد رسید ، مگر با حمایت فعال اکثریت توده‌ها* (۴)

در برابر درک فوق از مسئله اساسی

بر این شوع حتی در شکل جنگ طولانی آن بودند . اگر انقلاب چین نیسرد مسلحانه خود را از همان ابتدا در ایام توده‌های و با یک ارتش . که در جریان مبارزه‌های صرفاً سیاسی و در شرایط مستطدمکراتیک سالهای (۲۷-۱۹۲۰)

ایجاد گردیده بود . آغاز نمود ، در کوبا . و چنانکه هم اکنون شاهد آنیم در بسیاری از کشورهای آسیا ، آفریقا و آمریکای لاتین . لازم آمد که پشاهنگ مسلح با تشکل گروهی بمبارزه مسلحانه مباردت و رزیده و از این طریق موجبات بسیج توده‌ها و نتیجتاً شرایط کسب قدرت سیاسی را فراهم نماید . اینست و نوع تجربه بخوبی نشانده دوندسوع آغاز برای کسب قدرت سیاسی در جریان جنگ طولانی می باشد .

اما از سوی دیگر از اصول "قیام کار توده‌هاست" نباید درکی سطحی داشت . اگر چه برای مارکسیست . لنینیستها این امر مسلمی است کسسه پروری انقلاب منوط به شرکت فعال توده‌ها در جهت درهم شکستن نظم کهنس و آفرینش نظم نون از جانب آنان میباشد . و جز نیروی توده‌ها هیچ نیروی دیگری قادر به درگزن نمودن انقلابی جامعه

شرایطی که ماضین سرکوب شده‌ی سسدا داده است ، از همان ابتدا با ایسین
 همراهمیز ارتجاع حاکم ، با تکیه بر نیروی حقیقت انکار ناپذیر مواجه میگردد کسه
 سر نیزه و یاری چمن از شیسسوسوها کسب قدرت سیاسی بدون درهسسسم
 و دستگاهاهای تبلیغاتی سسسسم شکستن نیروی مسلح ضد انقلاب که نقش
 بزرگترین مانع محسوب میسگردد . اساسی را در تحکیم موقعیت ارتجساع
 ضرورت اجتناب ناپذیر مبارزه در شرایط حاکم و تضمین بقا ان ایفاء میکند ،
 دیکتاتوری امپریالیستی ، در شسشرایطی امکان پذیر نیست . از سوی دیگر
 که توده‌های کارگرایان از ابتدائی ترین در هم شکستن نیروی مسلح ضد انقلاب ،
 ارگانهای مبارزه طبقاتی به اشکال پیشین جزا از ایجاد نیروی مسلح انقلاب
 صحرشند ، و روستائیان تهیدست در پنجه یعنی ارتش تودهای میسر نیست و تشکیل
 خون آلود ماضین بورژوازی و نظامی ارتش تودهای نیز ، بنویه خود مستلزم
 ارتجاع حاکم و در شرایط فقدان هرگونه مبارزه چریکی طولانی است ، " و جنگ
 ارگان شکل طبقاتی سکه اساسا از چریکی که تنها از نقطه نظر استراتژی
 موقعیت آنان در پروسه تولید نساشی نظامی ، و بنظور شکست ارتش منظم
 میگردد گرفتارند ، امر سیاسی و امر و نیروشند ، بلکه از نظر استراتژی
 نظامی را بنحوی کاملا ارگانیک در هم سیاسی ، بنظور بسیج توده‌ها نیز
 لازم است . " ^{۱۰}

عمل سیاسی نیروی انقلاب ، از همان
 آغاز با عمل نظامی در هم می آمیخزد .
 سازمان سیاسی ، به سازمانی سیاسی - قرار میگردد .
 سازمانی متحول میگردد . و خلاصه آنکه مبارزه بدون شك این نتایج و اعلام راه نوسن

صرفا سیاسی ، به مبارزهای سیاسی مبارزه در سال ۱۹ ، از سوی صادترین
 نظامی تبدیل میشود .
 و آگاهترین انقلابیون کمونیست ایران ،
 به بیانی دیگر ، نیروی انقلاب که حمل
 مسئله قدرت دولتی را بشناخته مسئله و اشتیاق مواجه گردید ، در میان آنانکه
 اساسی انقلاب در مقابل خویش قرار
 لباس مارکسیستی بر تن کرده بودند

۱۰ - سمریق مسعود احمدزاده - همانجا

۱۱ - نقل بمعنی از رفیق استالین در بارو انقلاب چین

و اطمینان خاطر می که امپریالیسم آمریکایی در کنترل مبارزات توده‌ها توسط نوکران جدید خود هر بار کسب می‌کرد بنسب و امکان داد که در مقابل او جگر می‌چینش توده ای به اتخاذ محیلانه ترسیسین تاکتیک مبادرت نماید . امپریالیسم پسه ارتش دستمزد داد اسلحه بوزمین بگذارد تا خلق استقرار جمهوری اسلامی را بر روی خود تلقی کند و این ماهرترین تاکتیک بود که بر طبقه قیام خلقهای مسا بکار بسته شد .

تاکتیکهای قبلی چه آنموقع که دولت است آشتی ملی شریف امامی اعلام کرد میهن در خطر است مردم بیا خریدند و دستور بستن کاباره‌ها و کازینوها و قمارخانه‌ها را داد و چه آنموقع که دولت نظامی از هاری ضمن به رکبای بستن توده‌ها در کوچه‌ها و در خیابانهای شومانه اعلام کرد که رنگ قرمز بجای خون در چهارامیریزند و چه آنموقع که دولت بختیار این نوکر بی اختیار به انبوع شیوه‌ها کوشید خود را در فکرات جلوه دهد هیچک در مقابل قدرت جنبش توده‌بای و اراده توده‌ها کار ساز نبود و همان تاکتیکها به نتیجه محتوم خود رسیده و بشکست دچار شدند ، اما حال بسا اسلحه زمین گذاشتن ارتش و روی کار آمدن خمینی وضع فرق میکرد امپریالیسم

و منظورش آقای بهشتی بود آنمسا بتواند پیش پیش حوادث را بنمایند و جلوگیری از حوادث احتمالی نمایند . شماره تلفن بهشتی را به او دادیم کسه خودش تماس بگیرد . " (ص ۱۴۲ همانجا) در همین راستاست که مهندس بازرگان و آیت الله موسوی اردبیلی پس از سفر امریکا تماس میگیرند در این زمینه خود مهندس بازرگان در کتاب انقلاب ایران در دو حرکت در صفحه ۷۱ مینویسد : در ملاقات سری که در دی ماه آقای موسوی اردبیلی و بنده با سفر کیسر امریکا داشتیم آنها را آماده بشکرای قبلی اصولی یک رفاندوم ملی راجع به تغییر قانون اساسی ، از مشروطیت است سلطنتی به جمهوری اسلامی ، دیدیم و مجمسوه این تماسها و مذاکرات و سازشها است که دکتر یزدی معلوم الحال آنها را این چنین فرمولبندی میکند : " تاکتیک رهبری در آن مرحله عبارت بود از اولاً برقراری تماس با هر دو طرف یعنی هم با بهشتی و هم با سران ارتش (البته با طرف اصلی ، یعنی خمیند) امریکائی ها و نمایندگان سائیسر دول غربی تماسهایی برقرار شده بود (همانجا صفحه ۱۲۹)

بدنیال چنین تماسها و

با تاکتیک جدید خود موفق به فریب و سرکشی مردمها گشت اکنون در اثر این تاکتیک محیانه مردم که قبلا دشمن خود را بیهوشی میدیدند و هدفهایش را بیهوشی میشناختند دچار گیجی و سردرگمی شدند. حال آنها کسانی را بپرستی روی کار میدیدند که قبلا تصور میکردند از آن خودشان هستند ولی در همان حال میدیدند که هیچ چیز تغییر نکرده است ارتش شاهنشاهی به ارتش جمهوری اسلامی تبدیل شده است تا در اولین حرکت خود خلق کرد را به خون کشند و بازگان این "نخست وزیر منتخب امام" پایان انقلاب و آغاز "سازندگی" را سر میدهد و علا شروع به ترسیم ضربات ناشی از مبارزات توده ها و قیام به نظام سرمایه داری وابسته مینماید. مردم ما دیدند که فقر و فلاکت، بی حقوقی و بیکاری، فشار و خفقان نه تنها پایان نیافته بلکه هر روز که میگذرد در ابعاد وسیع تر و وحشیانه تر از قبل خود را بیهوشی نمایش میگذارد.

همانطور که گفته شد و همانطور که چریکهای فدائی خلق در همان ابتدای روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی اعلام کردند قیام بهمن قیامی شکوهمند اما شکست خورده است و عقب نشینی امپریالیسم نه یک عقب نشینی

استراتژیک آنطور که مبارزین مبارزان میخواستند جلوه دهند بلکه صرفاً یک عقب نشینی تاکتیکی بود تا است که بسمه امپریالیسم فرصت دان تا با آرایش جدید و جمع آوری نیروهای خود بلافاصله پس از قیام بهمن به یک تعرض همه جانبه بر طیفه خلقهای ما دست بزند. تعرض همه جانبه به خلقهای ایسران یعنی تحمیل جنگی تمام عیار به آنها. جنگی که سالهاست به اشکال گوناگون و در سطوح مختلف و در مناطق مختلف ادامه دارد جنگ خلق با رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی. و همین جنگ است که نشان میدهد گرچه تمام بهمن شکست خورد اما انقلاب فرسود امپریالیستی توده ها همچنان تسدای داشته و رو به گسترش است. پس از قیام توده ها بسا روی آوری بدوی مبارزه مسلحانه علا نشان دادند کسسه سیاستهای دشمن را در پی تفساوت نگه داشتن مردم نقش بر آب نمود تا



سیاهگل : ای آغاز نویسن ، نامت را بر قلبم حنك ميكنم .
 نامت را بر مسلمانی كه بدست خواهم گرفت ، خواهم كند .
 نامت را هر كجا كه بادی بوزد ، خواهم سرود ، من نام ترا
 در كوهها تکرار خواهم كرد تا طنینش بر سنگهای كوهستان نقش
 بنسندد .

ای چريك ، ای پیل ، این وضادان به خلق ،
 ای انسان نهن زمانه ، آنگاه كه سو آغاز بسدی
 نیردی سهمگین را در پهنه سیاه تاریکی ها ، من كودکی بیسش
 نمودم من آن زمان جز گرسنگی و فقر و درد همدمی نداشتم و
 من آنگاه در خاطر من ترا خوابگار می پنداشتم ، واكنه ،
 اکنون نام تو در من ، ترا زنده می كند . نام تو اندیشه
 تو در من آتشی بیا كرده كه تنها شليك مسلسل بر قلب دشمن آترا
 تكین خواهد بود . من ، فدائی ! ترا در واپسین لحظات پس
 درد زندگی می جستجو و امروز كه پالغ شده ام
 یافتم . من زمانی ترا یافتم كه هستی اهورتونیست پس
 نام تو ، ترا می كویدند ، ای امیرام تو با تمام سازش نا پذیریش
 آنچنان در من رسوخ كرده است كه گنجد تعففسن زده
 نظراتشان شامه ام را آزد ، اما به آنها ، بسه
 اهورتونیستها بگویند كه من امروز با روح و جسم در راهی كجه
 آنان ، فدائیان ، قدم گذاردند ، گام نهاده ام . به آنها ،
 بگو كه آرمانتان چون خون در رگهایم جاریست . بفانها
 بگو كه خلق قادر است تا در میان خاكستر خشم سوزانش
 به امیرالهیسم ، آنها را دفن نمایند .

قسم بخون پاك تمامی فدائیان خلق ، بخون پاك شهیدان
 كردستان كه ترا در خودم ، تار در خودمان و تار در پهنه ایسران
 زمین تکرار خواهیم كرد .

اخبار

مدتی است از سوی رژیم جهت تضعیف جنبش خلقی کرد و درهم شکستن مقاومت قهرمانانه زحمتکشان کردستان اعمال میشود رژیم وابسته در اجسرای این سیاست ضد خلقی به ددمنشانه ترین شیوهها دست میازد . در ادامه همین سیاست در تاریخ ۱۵/۱۰/۶۴ مزدوران

رژیم به روستای "گرگه" واقع در منطقه سقز پوروش آورده و با بولدوزر خانه و کاشانه زحمتکشان این روستا را با خاک یکسان کردند و آنان را وادار به تخلیه روستا نمودند . همچنین نیروهای مزدور رژیم به روستای "قره آغاج" در منطقه بوکان حمله کرده و با ضرب و شتم اهالی زحمتکش این روستا ، آنان را آواره کوه و دشت ساختند .

۳- جنگ امپریالیستی ایران و عراق که جز تشدید فقر ، بدبختی ، آوارگی ، بی خانمانی و کشتار هزاران تن از جوانان در جبهه های مرگ ، ارمغان دیگری برای مردم ستندیده میهنمان ندارد . همچنان ادامه دارد و هر روز که میگذرد امپریالیستها با فروش هر چه بیشتر سلاحهای گوناگون به طرفین جنگ ، آتش جنگ را تندتر میکنند . در ادامه این جنگ امپریالیستی هر روز تعداد بیشتری از مردم میهنان بخاک و خون می غلطند . طبق اخبار رسیده اخیرا شهرهای مریوان

۱- رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی که مدتی است طی یورشنهای ددمنشانه خود به کردستان قهرمان عده زیادی را جهت تامین نیروهای انسانی مورد احتیاجش در جبهه های جنگ امپریالیستی ایران و عراق دستگیر نموده و به جبهه ها میفرستد ، اخیرا جنازه آن عده از قربانیان جنگ ضد خلقی را که یا تهدید و فشار به جبهه های جنگ برده شده بودند به شهرهای کردستان از جمله سقز باز گردانده و بیسسه خانواده های کشته شدگان تحویل داد . این امر خشم و نفرت توده ها را نسبت به رژیم بیش از پیش شدت بخشید . مسردم شهر سقز یا دیدن جنازه های فرزندانشان با خشم و کینه فراوان نسبت به اعمال رژیم ضد خلقی دست بیسسه تظاهرات زد و جنگ امپریالیستی ایران و عراق را محکوم نمسودند .

۲- سیاست تخلیه اجباری و بیسسه و رانی کشتادن روستاهای کردستان

و اندر تاریخهای ۱۴۸۷/۱۲ و ۱۴۸۱/۱۲ از نیروی بدنی با دکه داران مقابلسه از سوی نیروهای عراقی مورد بیسبب ساران میکنند

همایی قرار گرفتند که در طی آن نه فقط تعداد کثیری از مردم بی دفاع شهسبر غرویان جان خود را از دست داده و مخروخ گشتند بلکه خسارات فراوانی به مردم این شهر وارد آمد. در همین روز پادگان شهر بانه نیز مورد حمله هواپیمای عراقی قرار گرفت و سده ای از ارتشیان کشته و خساراتی به اینسین پادگان وارد آمد.

۳- در نتیجه بحران اقتصادی ای که کربلانیگر نظام موجود در ایران است بسیاری از زحمتکشان از کار بیگار شده و به صف بیگاران می پیوندند. بخشی از توده ها برای امرار معاش و حل مسئله بیسبب کاری خود ناچاراً اقدام به دانه نمودن دکه و بیسببی در کنار خیابان میکنند. اما این دکه داران همچون سایر زحمتکشان هیچگاه از یورش سببانه مزدوران رژیم در امان نبوده و همواره مورد ضرب و شتم ایادی رژیم قرار دارند. چنانچه به فرمان امام این سنگ زنجیری امپریالیسم "ستاد معبر" جهت جمع آوری دکهها تاسیس گردیده و در این ستاد افسراد قوی هیکل و تشویق و در عین حال مومن به "اسلام خصمی" از میان ماموران شهرداری بفرار مشغولند و با استفاده

۴- در تاریخ ۱۴/۱۱/۵ نزدیک پهل

هوایی پارك شهر تهران تمامسوران شهریانی مانع کار زن سیگار فروشسی میشوند و میگویند ما وظیفه داریم از کارت معاصت بعمل آوریم. زن سیگار فروش میگوید آنکسی که به شما این وظیفه را داده اغتباہ کرده. ماموران پسه زور متصل شده میخواهند او را از آن محل دور کرده و سیگارهایش را توقیف کنند. مردم در آن محل جمع میشوند و پسه اعمال ماموران شهریانی اعتراض میکنند و مزدوران رژیم را مجبور به ترک محل

می نمایند .

۵- بدنیال بحران شدید اقتصادی
حاکم بر جامعه و ناتوانی رژیم وابسته
به امپریالیسم جمهوری اسلامی در
حل کوچکترین مشکلات مردم موجب اخراجها
از ادارات و کارخانهها همچنان ادامه
دارد . بطوریکه چند ماه قبل حدود
۲۰۰۰ تن از کارمندان صنایع نظامی
اعماله روز مسزد و استخسداصی
از کار اخراج شدند .

۶- در بابل دست انسددر کاران
راهیان کربلا^۱ از هر کارمند ادارات
شهر بابل مبلغ صد تومان برای خرید
گوسفند قربانی بخاطر "راهیان کربلا"
خشم آنها را بدین من صد چسندان
اخاذی نمودند .

۷- رژیم ضد خلقی برای اخاذی از توده ها
از هیچ اقدامی فروگذار نمیکند و بسا
فریب و ربا و بهانه کمک به جیبه های
جنگ سعی میکند از هر امکان فرصتی
استفاده نماید حتی اگر این امکان حقوق آنجا که علنا در روز روشن مردم کوچک
نا چیز کارمندان دین پایه باشد بطوریکه
در ساری ، در آذربایجان و در استانهای
رژیم که جرات جمع آوری پول بطور آشکار
را از کارمندان ادارات آب و برق ساری
نداشتند ، بردانه ، آمبولانس
جیبه های جنگ اهدا^۱ کرده و سپس پول
این آمبولانس را از حقوق کارمندان
کسر نموده اند !

۸- رژیم زبانه میکشد برای کنترل
بهرتر و وسیعتر مردم مانع از تماس شخصی
از توده ها یا بخش دیگر آن گردند تا
بدین طریق بتواند براحتی هر اعتراضی
را در گلو خفه سازد ، برای نمونه شبها
هر مرد زنی که با هم در خیابان راه بروند
توسط گشت ثارالله دستگیر و مسسورد
بازجویی قرار میگیرند و تا وقتی عقد نامه
خود را نشان ندهند و یا ثابت نکنند که
با هم چه نسبتی دارند ، آنان را آزاد
نمیکند . اینگونه اقدامات نه فقط چهره
کویه رژیم را در نزد توده های زخمی
میهمان نمایان تر میکند ، بلکه کینه و
می نماید .

۹- رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری
اسلامی از هر شیوه و وسیله ای بسرای
سرکوب مبارزات توده ها و ایجاد رعب
و وحشت در دل آنان استفاده میکند تا
حقوق آنها را به بهانه های مختلف سسلا ق
بقتل میرساند و به سیاه چالهای
قرون وسطایی می افکند تا بتواند بسا
تحصیل فشار بر توده ها و با دخالت در
کوچکترین مسائل خصوصی آنها مانع
امپریالیستها را هر چه بیشتر و بهینسر
تا بن نماید . خیر زهر نمونه کوچکسی
از آزار توده ها توسط مزدوران رژیم

که در نزد آنان به امری عادی تبدیل شده است؛ در باهل پاسداران شمسد خلیقی در جلوی شهرداری مردی را شلاق میزدند مردم مانع از این کار میشوند ناچاراً مزدوران سپاه مرد مزبور را به مقابل شهر و خورشید میبرند باز هم مردم این محل از کار آنان بیاعتنا به عمل میگردند. پاسداران بالاخره در اثر فشار مردم او را بداخل دادگساره انقلاب برده و در آنجا شلاق میزنند!

۱۰- پایسل - در آذرماه سال جاری بین حاکم شرع بابل و رئیس هیئت مسئولیت واگذاری زمین در مورد بازگردانیدن زمینهای صادقه شده عناصر رژیم سابق و فئودالها که کمتر روی میدهد.

زمینهای فوق الذکر در دست هیئت مسئولیت واگذاری زمین این شهرستان بود که بنا بر شرایط استعمارگرانهای در اختیار و ستانیان قرار داده بودند. بدنیال تصویب قانون پس دادن زمینها به صاحبان قبلی آنان، مالکان به دادگاه شمسد مراجعه و حکم باز پس گیری زمینهایشان را دریافت کردند. به این ترتیب ایادی رژیم ضد خلقی جمهوری اسلام را بیبایست زمینها را به آنان پس دهند اما آنان میخواستند بدون سروصدا این زمینها را از چنگ زار زمین خارج و به مالکان باز گردانند ولی هیئت واگذاری

زمین با این شیوه کار مخالف بود بیسه همین منظور برای حل کردن این مسئله مسئول هیئت به نزد رئیس دادگاه باپسل حاج آقا کریمی میسرود و پس از چندین ساعت بحث های تند و تشنج آمیز کار بیسه فحش و زود و خسورد میکشید. رئیس دادگاه مسئول هیئت را ۴۸ ساعت بازداشت میکند. پس از چندی هیئت مسئولیت واگذاری زمین استان از این قضیه مطلع شده و با دخالت خود مسئول هیئت را آزاد میکند. ولی با آزادی مسئول هیئت، دعواها بر سر چگونگی اجسرای این قانون همچنان ادامه دارد!

واقعیت این است که بحران سیستم سرمایه داری کجانبانگه ایران است و هر روز که میگذرد بر حق و وصمت این بحران افزوده میگردد و سیستم بسینسوروازی وابسته در اثر بحران اقتصادی و اوچگیری مبارزات توده ها هرچه بیشتر در معرض خطر قرار میگیرد و در نتیجه تضاد های درون هیئت حاکمه شدت یافته باعث آن میشود که جناحهای مختلف درون حاکمیت بعنوان سنگان زنجیری بسر سرسره کوب موثر تر توده ها و بوسر بر کردن هرچه بیشتر جیبهای گشاد سرمایه داران بجان هم بیافتند و بالاخره شهرک از این جناحها برای حفظ و بقای نظام سرمایه

تئوریك بود - تصحيح نماييد - اما
مقاومت اينان در برابر آن جريان اندیشه
و عمل انقلابی که نظام حاکم را بهمسراه
منافع حقير اينان ، که با بقا^۱ این نظام
در هم تنیده بود ، هدف گرفته بسود ،
بدون تردید نمی توانست ناشی ازعدم
درک شرایط موجود ازجانب اينان باشد.
بدین ترتیب بود که رفتای ما ، بمثابه
انقلابيون کمونیست و بر خلاف بسیاری
ازدراز گویان ، به تفسیر جهان انکضا
نکرده ، و علاوه برتحلیل جامع وروشن
از شرایط مشخص جامعه ایران ، تمامی
توان انقلابی خویش را مصروف تغییر
انقلابی شرایط موجود نمودند ، و نبرد
قهرمانانه ای که ازسیاهل آغاز شد ،
مشمولی بود که در تاریکی دیکتاتوری
لجام گسیخته امپریالیستی بنام
انقلابيون و خلق راه را نشان میداد .
نبردسیاهل ، در تاریخ مبارزات خلق
ما همان نقطه عطفی بود که باچشم انداز
یا وسعت جهان - جهانی که سرانجام
از آن زحمتکشان خواهد بود - اندیشه
انقلابی را به عرصه عمل انقلابی کشانید و
در برابر این سؤال که : " چگونه
میتوان آن جریانی را بنا نهاد که
در صیر آن توده بر خود ، برصاف
و ^۲ رفیق احمدزاده : م . م . ه . ا . ه . م .

واقعی خود ، بر قدرت سبکگین و
شکستناپذیر خود واقف شود و بجریان
مبارزه کشانده شود ؟ چگونه میتوان
در آن سد عظیم قدرت سرکوب کننده
که اختناق و سرکوب مدایم ، عقب مانندن
رهبری و عدم توانایی پیسرو در ایفای
نقش خود ، بالاخره تبلیغات جهنمی
رزم منکی بسر نیزه میان روشنفکر خلستق
و خلق ، میان توده و خود توده ، میان
ضرورت مبارزه تودهای و خود مبارزه
تودهای بر پا داشته ، شکاف انداخت
و سبیل خروشان مبارزه تودهای را جاری
کرد ؟ " ^۱ بابانگی صولتند پاسخ داد
که : " تنها راه عمل صلحانه است " ^۲
نبردسیاهل نشان داد که امکان مبارزه
- اگر چه دشوار و طولانی - وجود دارد ،
دشمن آسیب پذیر است ، و افسانه
" ثبات " فریبی بیش نیست .
و خلاصه آنکه ، نبرد قهرمانانسه
رفتای ما در سیاهل یادآور حقیقت
ترهیدناپذیری بسود : " تعرض ،
جوهر سیاست پرولتری است . "

گرامی باد خاضره رزمندگان سیاهل!
درا هتر از یاد پرچمخونین چهرکهای فدائی خلق!
زنده باد مبارزه صلحانه که تنها راه
در صیر آن توده بر خود ، برصاف
و ^۲ رفیق احمدزاده : م . م . ه . ا . ه . م .

- ۱ - بهمن ۱۳۴۰ یورش وحشیانه چتر بازان رژیم مزدور شاه بدانشگاه
- ۱ - بهمن (۲۰ ژانویه) در گذشت رهبر پرولتاریای جبهان لنین کیپر
- ۲ - بهمن (ری بنیان) ۱۳۲۴ روز اعلام جمهوری خود مختار کردستان
توسط قاضی محمد
- ۸ - بهمن ۱۳۵۷ کشتار مردم تهران توسط بختیار توکریی اختیار
- ۱۱ - بهمن ۱۳۵۰ شهادت مجاهد خلق احمد رضائی
- ۱۴ - بهمن ۱۳۱۸ شهادت کهنیست قهرمان دکتر تقی ارافی
- ۱۵ - بهمن ۱۳۲۷ تیراندازی ناصر فخرآرائی پسوی شاه خائن
- ۱۸ - بهمن ۱۳۵۷ پایان ماموریت ژنرال هویز آمریکائی در ایران
- ۱۸ - بهمن ۱۳۵۸ دستگیری رهبران شوراهای دهقانی ترکمن صحرا
توسط پاسداران ضد خلقی در هنگامیکه به همراه هیئت مذاکره کننده رژیم
روانه منازل خود بودند
- ۱۹ - بهمن ۱۳۴۹ سرآغاز جنبش مسلحانه خلقهای ایران (رستاخیز
سیساکسیل)
- ۱۹ - بهمن ۱۳۵۸ تحمیل جنگ دوم به خلق ترکمن توسط رژیم وابسته
امپریالیسم جمهوری اسلامی و سرکوب بیرحمانه ارتش طایفه ستاد مرکزی
شوراهای ترکمن صحرا و روستائیان به دفاع

— ۱۹ بهمن ۱۳۶۰ شهادت مجاهدین خلق موسی خیابانی و اشرف ریعی و دیگر همزمانشان.

— ۲۱ بهمن میتینگ سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بمناسبت رستاخیز سیاهکل، درگیری بین همافران انقلابی و نیروهای گارد جاویدان شاه و آغاز قیام خونین و قهرمانانه خلق و شرکت سازمان چریکهای فدائی خلق در قیام.

— ۲۲ و ۲۴ بهمن ۱۳۵۷ ادامه قیام خلق در تهران و اغلب شهرهای ایران.

— ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ شهادت چریکهای فدائی خلق رفا: بابک سیلابی (پادگان عشرت آباد) - خسرو پناهی (کلانتری ۱ تهران) و قاسم سیادتی عضو کمیته مرکزی سازمان (مرکز رادیو) در طی شرکت در قیام قهرمانانه خلق.

— ۲۹ بهمن ۱۳۵۲ شهادت رفا خسرو گسرخ و کرامت الله دانشیان

— ۲۹ بهمن ۱۳۵۶ قیام قهرمانانه مردم تبریز علیه رژیم وابسته به امپریالیسم شاه.

— ۲۹ بهمن ۱۳۵۸ شهادت رهبران شوراها و دهقانی توکمن صحرا رفا توماج، مختیم، واحدی و چرجانی یافته شدن پیکرهای شکنجه شده آنان در بین هینودشت و چمن بید (جنگل گلستان) در سیرکبند - بجنورد.





چریک فدائی خلق رفیق خسرو پناهی توت شاهی در سال ۱۳۳۱ در شهر کرمانشاه متولد گشت در کسودگی پدرش را از دست داد و دوران کودکی را در تنگدستی و فقر گذراند . رفیق خسرو با توجه به شرایط زندگی اش و شناخت ملموس فقر و تنگدستی و غارت و زورگویی سرمایه داران خصلی زود مبارزه بر علیه شرایط موجود جلب شد .

با ورود به مدرسه عالی ورزشی سه همراه دیگر دانشجویان مبارز پیوسته هواداری از سازمان چریکهای فدائی خلق ایران برخاست و از آن پس چه در محافل مخفی و چه علنی بهگیرانه فعالیت نمود .

با توجه به علاقه اش به ورزش که رشته تحصیلی اش نیز گواهی بر این امر بود و استعداد های فراوانش در این زمینه در سالهای ۵۴ و ۵۶ به ترتیب در مسابقات وزنه برداری جوانان کشور و دانشگاه های کشور نغمه اول شد . پس از پایان دوره دانشگاه در سال ۵۶ از رفتن به سرایزی امتناع ورزید و هرچه فعالانتر به سبیل خروشان انقلاب خلقهای ایران پیوسته در آن روزهای پر شور همواره یکی از سازمان دهندگان تودمهای مردم بود .

سرانجام در بیست و دوم بهمن سال ۵۷ در جریان قیام شکوهمند تودمها در حمله به کلانتری ۶ خیابان گرگان تهران آن هنگام که کلانتری چون دژی استوار می نمود و از سوی ارتش و گسارد شهریانی محافظت گشت و از پنجره های همیشه تاریک آن بسوی مردم رگبار گلوله روان بود یا اسلحه گری خود و چند نارنجک آماده در مقابل چشمان مضطرب تودمهای مردم جسورانه به درون کلانتری پرید و تنی چند از مزدوران رژیم مزه و ر را به خاک و خون افکند و خود نیز با رگبار مسلسل مزدوران وابسته به امپریالیسم که قلبتیرا که بخاطر مردمش می طعید نشان رفته بودند پشهادت رسید . بدین ترتیب آخرین مدینه مبارزه قهرمانانه زندگی اش را نیز دلاورانه به پایان رساند . یادش گرامی و راهش پرهرو باشد

" هزاران هزار شهید، جان خود را در راه منافع خلق قهرمانانه
 فدا کرده اند، بگذار درفش آنها را برافرازیم و در راهی که با
 خون آنها سرخ شده است، به پیش رویم!"
 (مائو تسه دون)

جاودان باد خاطره تابناک

شهادای بهمن ماه چریکهای فدائی خلق ایران

۱۳۵۲

رفیق ابراهیم پوررضائی خلیق

تاریخ تولد: ۱۳۲۴

محل تولد: تبریز

محل شهادت: مشهد

نحوه شهادت: زیر شکنجه

رفیق یوسف زرکار

تاریخ تولد: ۱۳۳۱

محل شهادت: اصفهان

نحوه شهادت: درگیری

۱۳۵۱

رفیق پوران یداللهی

تاریخ تولد: ۱۳۲۹

محل تولد: اصفهان

تحصیلات: دانشجوی

رفیق بهروز عجدی

تاریخ تولد: ۱۳۲۰

محل تولد: تهران

تحصیلات: دانشجوی

نحوه شهادت: انفجار

رفیق جعفر محتشمی

تاریخ تولد ۰ ۱۳۳۰
محل تولد ۰ تهران
تحصیلات ۰ دانشجو
نحوه شهادت ۰ درگیری (خانه تیمی)
تاریخ شهادت ۰ ۵۴/۱۱/۶

رفیق سعید پرورش

تاریخ تولد ۰ ۱۳۲۲
محل تولد ۰ قزوین
تحصیلات ۰ دانشجو
نحوه شهادت ۰ درگیری (خانه تیمی)
تاریخ شهادت ۰ ۵۴/۱۱/۶

رفیق مصطفی دقیق همدانی

تاریخ تولد ۰ ۱۳۳۱
محل تولد ۰ اصفهان
تحصیلات ۰ دانشجو
تاریخ شهادت ۰ ۵۴/۱۱/۶
نحوه شهادت ۰ زیر شکنجه

۱۳۵۴

رفیق کاووس رهگذر

۱۳۵۳

رفیق سعید پایان

محل شهادت ۰ اهواز

۱۳۵۴

رفیق شهید فتحعلی پناهیان

تاریخ تولد ۰ ۱۳۲۹
محل تولد ۰ تبریز
محل شهادت ۰ تهران
نحوه شهادت ۰ درگیری

رفیق فاطمه اندرنیا

تاریخ شهادت ۰ ۵۴/۱۱/۶
نحوه شهادت ۰ درگیری (خانه تیمی)

رفیق مجید پیرزاده جهرمی

تاریخ تولد ۰ ۱۳۲۲
محل تولد ۰ آبادان
تحصیلات ۰ دانشجو
نحوه شهادت ۰ درگیری (خانه تیمی)
تاریخ شهادت ۰ ۵۴/۱۱/۶

رفیق کوهرت سنجسری

تحصیلات • دانشجو

محل تولد • دانشجو

تاریخ تولد • ۱۳۲۹

محل تولد • ملایر

محل شهادت • مشهد

نحوه شهادت • درگیری

رفیق حسن جان فرجودی

تحصیلات • دانشجو

محل تولد • لنگرود

نحوه شهادت • زیر شمشیر

رفیق حسن جباری

تحصیلات • دانشجو

محل تولد • تهران

نحوه شهادت • درگیری

رفیق جباری

تحصیلات • دانشجو

محل تولد • ۱۳۲۹

محل تولد • قزوین

نحوه شهادت • درگیری

رفیق فردوس آقا ابراهیمیان

تحصیلات • دانشجو

محل تولد • درگیری

تحصیلات • دانشجو

محل تولد • تهران

تاریخ شهادت • ۵۴/۱۱/۱۵

نحوه شهادت • درگیری

رفیق حمیدرضا هزار خانی

تحصیلات • دانشجو

محل تولد • تهران

تاریخ شهادت • ۵۵/۸/۱۱

نحوه شهادت • درگیری

رفیق حمید موهبی

تحصیلات • دانشجو

محل تولد • تهران

تاریخ شهادت • ۵۴/۱۱/۱۱

نحوه شهادت • درگیری

رفیق محمد علی خسروی اردبیلی (داداشی)

تحصیلات • دانشجو

محل تولد • ملایر

محل شهادت • ملایر

نحوه شهادت • درگیری

محل تولد • پابل

محل شهادت • جبهه تبریز - ظفار

۱۳۵۵

رفیق انوشه فضیلت کلام

تحصیلات • دانشجو

محل تولد • درگیری

نحوه شهادت • درگیری

رفیق خسرو پناهی

تاریخ تولد ۱۳۳۱
محل تولد ۰ روستای توت شاهی کران
(کرمانشاه)
نحوه شهادت ۰ درگیری

رفیق محمد جواد عرفانیان

نحوه شهادت ۰ درگیری



ادامه از صفحه ۲۷

داری وابسته امپریالیسم به افشای
همدیگر بپردازند ۰ برز آشکار ایمن
اختلافات و تضادها وعدم توانایی رژیم
در لاپوشانی آن چه در انتخابات و چه
در چگونگی اجرای قانون برگرداندن
زمینها به صاحبان قبلی آن و ۰۰۰۰۰
همه بیانگر حدت پایبندی تضاد هسای
درونی رژیم و مقابله توده ها با ایمن
عناصر خود فروخته است ۰



رفیق محمد کاسه چی

تاریخ تولد ۱۳۲۹
محل تولد ۰ قزوين
تحصیلات ۰ دانشجو
نحوه شهادت ۰ درگیری

رفیق محسن نوربخش

تحصیلات ۰ دانشجو
محل تولد ۰ بابل
نحوه شهادت ۰ درگیری

۱۳۵۷

رفیق قاسم سیادتی

تاریخ تولد ۱۳۲۵
محل تولد ۰ بروجرد
نحوه شهادت ۰ درگیری

رفیق مهدی اقتدارش

نحوه شهادت ۰ درگیری

رفیق بابک سیلابی

تاریخ تولد ۱۳۳۶
نحوه شهادت ۰ درگیری



تصحیح و پیوستن

در نشریه پوزه دیماه ۱۴ شهادت رفیق ریوسف زرکار ۵۲/۱۰/۱۷ ذکر شده
که درست آن ۵۲/۱۱/۱۷ میباشد. همچنین در این نشریه پاورقی
صفحه ۲۶ مربوط به صفحه ۲۷ و برعکس پاورقی صفحه ۲۷ مربوط به صفحه ۲۶
میباشد.

لطفاً اطلاع چاهی زیر این نشریه فوق الذکر تصحیح کنید:

بسیار	بسیار	۸ سطر ۲۴	خط
مقاوت	مقاوت	۱۱ سطر ۸	دوست
از	زیر نویس	۱۲ سطر ۶	از
از	در	۱۸ سطر ۲۱	از
کافی شیت	کافی شیلان	۱۸	کافی شیت
شہید واسعیر	شہید (اسیر)	۱۴ سطر ۱۴	شہید واسعیر
سخنرانی به	سخنرانی	۲۲	سخنرانی به
مخاضل	مسائل	۱۳ سطر ۲۴	مخاضل
<u>اغوانشود</u>	اغوانشود	۵۱ سطر ۲۲	<u>اغوانشود</u>
پاپ سنکین	پاپ سنکین	۱۱ سطر ۵۶	پاپ سنکین



بیاد تمامی شہدای گمنام

مردم مبارز ایران!

چریکهای فدائی خلق ایران برای
بیشتر دادرسی‌ها، به کمکهای
مالی شما شادید. نیازمندند. از هر
طریق و به هر شکل که میتواند،
کمکهای خود را در اختیار سازمان
قرار دهید.

خلقهای قهرمان ایران!
رادیوی آزمایشی چریکهای فدائی
خلق آغاز به کار نموده طول موج و ساعات
پخش صدای چریکهای فدائی خلق
ایران را به هر وسیله که می‌توانید
اطلاع دوستان و آشنايان خود بوسانید.
و سازمان را از کیفیت صدای رادیو
در مناطق مختلف هر چه سریعتر مطلع
گردانید. صدای آزمایشی چریکها
هر روز در ساعت ۶:۵۵ بعد از ظهر
و ۱۲ ظهر پخش میشود.

طول موج:

موج کوتاه ردیف ۲۱ متر برابر با ۷٫۳ مگاهرتز

در تکثیر آثار سازمانی
بکوشید

برای تماس با چریکهای فدائی خلق ایران با آدرس های زیر مکاتبه کنید

F.S فرانسه
B.P-181
75623 PARIS
CEDEX 13
FRANCE

انگلستان
BM BOX 5051
LONDON
WCIN 3XX
ENGLAND

از انتشارات: چریکهای فدائی خلق ایران

تکثیر از: سازمان سرگردانان و جوانان فدائی ایران در آمریکا (مبوله و سایر کمربندهای فدائی خود ایران)